

تبیین تاریخی تداوم و تحول در تعاملات اجتماعی عالمان شیعی و امیران آل بویه

موسی کاظمی راد^۱
اصغر منتظرالقائم^۲
مصطفی پیرمردیان^۳

چکیده

بنا بر عقیده فقهای شیعه هر گونه تعاملی که سبب تقویت حاکمان جائز شود، حرام و ممنوع است. بنا به گزارش‌های تاریخی عالمانی شیعه به تعامل با دولت آل بویه روی آوردند. از آنجا که فهم دقیق مسائل تاریخی بدون بررسی تحلیلی و تبیین علل اجتماعی ممکن نیست؛ لذا این مقاله به بررسی علل اجتماعی تعامل علمای شیعه با دولت آل بویه می‌پردازد. سؤال مقاله آن است که علل اجتماعی تعامل و همکاری علمای شیعه با امیران آل بویه چه بوده است؟ فرضیه مقاله این است که علل متعددی مانند تأکید اسلام بر تعاون و تعامل، پیشبرد اهداف مذهبی، جلوگیری از انزوا و طرد و سرکوب شیعیان از جامعه، سبب تعامل علمای شیعه با دولت آل بویه شد. از طرفی تعامل و تعاون به عنوان یک ارزش اخلاقی و شیوه رفتار و کردار در مجموعه اندیشه اسلامی جایگاه والایی دارد و به عنوان یکی از اصول کشورداری و مشخصه‌های دولت آل بویه مطرح است. پایبندی به همین ارزش اخلاقی موجب تعامل دولت آل بویه با علمای شیعه شد. از این رو علمای شیعه نیز به تعامل با آل بویه روی آوردند. این تحقیق با بهره‌گیری از روش تحلیلی - تاریخی، به بررسی علل اجتماعی تعامل علمای شیعه با دولت آل بویه پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: آل بویه، تعامل، تعاون، حاکمان جائز، فقهای شیعه.

-
۱. دانشجوی دکتری تاریخ تشیع دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. Moussa.rad52@gmail.com
 ۲. استاد گروه تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). montazer@ltr.ui.ac.ir
 ۳. دانشیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. M.pirmoradian@ltr.ui.ac.ir
- تاریخ دریافت: ۰۳/۰۷/۰۱ تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۹/۱۰

Historical clarification of continuity and development in the social interactions of Shī'ite scholars and Buyid dynasty Amirs

Musa Kazemirad¹

Asghar Montazerolghaem²

Mostafa Pirmoradian³

Abstract

According to the tenets of Shī'ite jurists, any interaction strengthening the authoritarian rulers is illegitimate and unlawful. Based on historical reports, Shī'ite jurists embarked on interacting with the Buyid dynasty. Regarding the fact that an accurate understanding of historical events is not feasible without analytical investigation and explanation of social factors, this article elaborates on the social reasons behind the interaction of Shī'ite jurists with the Buyid dynasty. The question raised in this study is: What were the social reasons behind the interaction and cooperation of Shī'ite jurists with the Buyid dynasty Amirs? It is hypothesized that there were several reasons including Islam's emphasis on interaction and cooperation, realization of religious goals, preventing Shī'ites from being isolated, excluded, and suppressed in society, etc. that gave rise to the interaction of Shī'ite jurists with the Buyid dynasty. On the other hand, interaction and cooperation as an ethical value and a behavior style are of high importance in the Islamic mindset and are considered as one of the principles of the Buyid dynasty and characteristics. Abiding by this moral value instigated the Buyid dynasty's interaction with the Shī'ite jurists who, in turn, started interacting with Buyid as well. This research investigates the social reasons why Shī'ite jurists interacted with the Buyid dynasty, using the analytical-historical method.

Keywords: Buyid dynasty, interaction, cooperation, authoritarian rulers, Shī'ite jurists.

1. PhD student of Shi'ite history, University of Isfahan, Isfahan, Iran. moussa.rad52@gmail.com

2. Professor, Department of Islamic history, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding author). montazer@ltr.ui.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Islamic history, University of Isfahan, Isfahan, Iran. m.pirmoradian@itr.ui.ac.ir

درآمد

تعامل به معنای معامله کردن و داد و ستد مردم با یکدیگر است (خلیل جر، ۱/۵۹۵؛ دهخدا، ذیل ماده «تعامل»). تعامل دوجانبه است و حتما باید دو نفر و یا بیشتر باشد، در غیر این صورت، تعاملی انجام نمی‌گیرد. البته گستره تعامل به داد و ستد اشیای مادی محدود نمی‌شود، و تعاملات اجتماعی، سیاسی، فکری، علمی و غیر اینها را نیز شامل می‌شود.

در بررسی‌های تاریخی بیش از آنکه به تاریخ اجتماعی جوامع پرداخته شود؛ اوضاع سیاسی یا به طور کلی تاریخ شاهان و حکومت‌ها مورد مطالعه و پژوهش قرار می‌گیرد و به ندرت به تاریخ اجتماعی توجه می‌شود. زیرا بررسی این گونه موضوعات دشوارتر از تاریخ سیاسی دولت‌ها و حکومت‌هاست. کشف شواهد تاریخی که توصیف‌کننده موقعیت اجتماعی جامعه باشد، بسیار کم گزارش شده‌است و تحلیل و تبیین آن نیز دشوارتر است. چنین شواهدی را باید با دقت و ظرافت از لابه‌لای گزارش‌های تاریخی بیرون کشید و تحلیل کرد.

علمای شیعه در زمان حضور امام معصوم، بی‌هیچ شبهه‌ای حکومت را مخصوص امام معصوم می‌دانستند و هر نوع دولت و حکومت دیگری را غاصب و ستمکار تلقی می‌کردند و جز با اجازه امام معصوم با چنین حکومت‌هایی هرگز تعامل و همکاری نمی‌کردند. با غیبت امام دوازدهم، شیعه با مشکل جدیدی یعنی عدم حضور امام معصوم و نداشتن شرایط تشکیل حکومت مواجه شد. در چنین موقعیتی علمای شیعه به عنوان جانشینان عام امام معصوم موظف بودند تا به نوعی مشکل جامعه شیعیان را در عصر آل‌بویه حل کنند. با آنکه امیران آل‌بویه طبق عقاید شیعی جائر محسوب می‌شدند اما آنها شیعه و اهل تساهل و تسامح و به دنبال تعامل با علمای شیعه بودند. لذا علمای شیعه فرصت پیش آمده، یعنی روی کارآمدن دولت آل‌بویه و سلطه آن دولت بر دستگاه خلافت عباسی را غنیمت شمرده و بنا بر علل مختلف اجتماعی به تعامل با آل‌بویه پرداختند. نوآوری این پژوهش شناسایی و تبیین مؤلفه‌های اصلی تعامل اجتماعی علمای شیعه با حکومت آل‌بویه در تداوم و تغییر تعاملات تاریخی تشیع است.

پیشینه پژوهش

تعامل علمای شیعه با حاکمان جائز، بخشی از تحولات تاریخ اسلام و تاریخ تشیع است. در منابع تاریخی و پژوهش‌های انجام گرفته در مورد تعامل علمای شیعه با امیران آل بویه بیشتر به «تعامل سیاسی» علمای شیعه با دولت آل بویه پرداخته شده است و به تعامل اجتماعی علمای شیعه با آل بویه توجه چندانی نشان نداده‌اند. پایان نامه کارشناسی ارشد یحیایی (۱۳۷۷ش) با عنوان «روابط علمای شیعه و دولت آل بویه»، به روابط کلی عالمان شیعه از کلینی (متوفای ۳۲۸) تا شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰) با دولت آل بویه در همه قلمروهای سه‌گانه پرداخته، اما به تعامل اجتماعی علمای شیعه با آل بویه توجه چندانی نکرده است. طاهری (۱۳۸۹ش) در مقاله «رابطه علماء شیعه با حکومت در ادوار مختلف تاریخ ایران» به بررسی رابطه علما و حکومت‌ها و نقش علما در تاریخ معاصر پرداخته و ادوار گذشته را چندان مورد توجه قرار نداده است. حسن‌زاده (۱۳۸۶ش) در مقاله‌ای به نام «سیاست در اندیشه و رفتار سیاسی فقیهان بغداد در عصر آل بویه» مصلحت‌گرایی را از مبانی اندیشه و رفتار سیاسی فقیهان و توجیه‌گر جواز همکاری با دولت دانسته است. حسنی نسب (۱۳۹۸ش) در مقاله «همکاری با سلاطین در اندیشه علمای امامیه؛ مطالعه موردی مکتب بغداد» نیز نظر مصلحت‌گرایی را پذیرفته و شیخ مفید را نخستین عالم شیعی دانسته که به دلیل روی کار آمدن دولت آل بویه به تعامل با آنان پرداخته است. تقوی سنگدهی (۱۳۹۱ش) در مقاله «بررسی تعامل فکری و سیاسی شیخ مفید با حاکمان آل بویه»، چگونگی تعامل شیخ مفید با امرای آل بویه را بررسی کرده است. نوری (۱۳۹۹) نیز در مقاله «الگوی رابطه دین و دولت در ایران عهد آل بویه»، نوع رابطه دین و دولت در ایران عهد آل بویه را بررسی کرده است. همچنین سالاریه (۱۳۹۷ش) در مقاله «اندیشه سیاسی سید مرتضی در تعامل با حکومت آل بویه» به بررسی مبانی فقهی تعامل سید مرتضی با آل بویه و برخی منفعتهایی که در پرتو این تعامل نصیب شیعیان شده، پرداخته است. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع و فقدان بحث در این زمینه، این مقاله به تبیین و تشریح تعامل اجتماعی علمای شیعه با دولت آل بویه می‌پردازد. زیرا بیان علل تعامل اجتماعی علمای شیعه با دولت آل بویه، سبب درک و فهم مناسبی از تعامل اجتماعی تشیع

و روابط علمای شیعه با حکام می‌شود.

موقعیت اجتماعی آل‌بویه در قرن چهارم

خلافت عباسی در قرن چهارم با مشکلات سیاسی، اجتماعی و امنیتی زیادی مواجه بود. بنا بر گزارش‌های مورخان، به علت درگیری‌ها و تنش‌های اجتماعی و تاخت و تاز مدعیان حکومت و نیز شورش‌ها، دستگاه خلافت سخت به ستوه آمده بود (تهرانی، ۲۱۶/۵، ۳۴۰/۲۰). این اوضاع آشفته ظهور دولت قدرتمندی را می‌طلبد که امنیت اجتماعی را به ارمغان بیاورد و جامعه را از آشفتگی و هرج و مرج خارج کند. در چنین موقعیتی، امیران آل‌بویه فرصت را غنیمت شمرده و بغداد را تصرف کردند. احمد معزالدوله (حک. ۳۳۴-۴۴۷) اولین حکومت شیعی مذهب را در بغداد پی‌ریزی کرد. آل‌بویه با تعامل و مدارا در پی ایجاد چنین محیطی بودند. زیرا حکومت آل‌بویه به سبب عدم برخورداری از مشروعیت مذهبی، نیازمند جلب حمایت جامعه و حمایت قشر عظیمی از مردم به خصوص شیعیان هم‌مذهب با خود بود. در واقع دولت آل‌بویه نیازمند پشتیبانی شیعیان و علمای شیعه بود و شیعیان نیز نیازمند حمایت و پشتیبانی دولت آل‌بویه بودند تا بتوانند به اهداف خود برسند. در چنین موقعیتی شیعیان دوازده امامی که سال‌ها رنج تقیه را تحمل کرده بودند، وارد عرصه‌های اجتماعی شدند (مظفر، ۱۸۰).

مشروعیت اجتماعی حاکمان جائر

تا قبل از غیبت کبری بحثی به نام مشروعیت حاکمان جائر وجود نداشت، چون شیعیان حاکمان واقعی را امامان معصوم می‌دانستند و هرگز به فکر تأیید و یا پذیرش مشروعیت حاکمان جائر نبودند. احادیث متعددی نیز در زمینه حرمت مشروعیت حاکمان جائر روایت شده‌است (کلینی، ۲۹۵/۸؛ صدوق، ثواب، ۲۶۰). با غیبت امام دوازدهم و روی کار آمدن سلسله شیعی آل‌بویه، در نگرش علمای شیعه نسبت به مسئله تعامل حکومت در عصر آل‌بویه، پذیرش مشروعیت حاکمان جائر و عدم پذیرش آنها تغییری جدی پدید آمد. زیرا امام معصوم غایب شد و مدیریت جامعه نیز عملاً به دست حاکمان جائر افتاد. موقعیت جدیدی پیش آمد که علمای شیعه در انحصاری بودن مشروعیت حق

حاکمیت امام معصوم تجدید نظر کردند. گرچه این تجدید نظر با مبانی عقیدتی شیعه چندان سازگاری نداشت؛ اما عواملی که سبب دوری و عدم تعامل اجتماعی علمای شیعه با حکومت‌های جائر بود، کاهش یافت و شرایط اجتماعی و نفع شیعیان تغییر کرد. بنابراین علمای شیعه با قبول بعضی مناصب امام معصوم در اداره جامعه و تحول در مفهوم عدالت برای حاکمان ستمگر به تعامل و همکاری با دربار آل‌بویه پرداختند.

علل تعامل اجتماعی علمای شیعه با حکومت آل‌بویه

بنا بر گزارش‌های تاریخی امیران آل‌بویه دارای مذهب شیعی بوده‌اند. در شیعی بودن آنها، شکی وجود ندارد و اختلاف در امامی بودن و یا زیدی بودن آنها است. از جمله این گزارش‌ها، تصمیم معزالدوله بر سپردن حکومت به یکی از علویان زیدی مذهب به نام ابوالحسن محمد بن یحیی است (بلعمی، ۳۵۴). در منابع زیدی آمده است که معزالدوله در جلسه‌ای که جماعتی از امامیه در حضور او بودند، از آنان پرسید: «امام شما کیست؟ ... و گفت: «من امامم را به شما نشان خواهم داد». وقتی ابوعلی عبدالله محمد بن قاسم داعی (زیدی) آمد گفت: «این، امام من است» (مادلونگ، ۱۱۰). ابن طاووس (۱۴۵) نیز آل‌بویه را زیدی مذهب دانسته است. برخی اقدامات آل‌بویه همانند اجرای آداب و رسوم شیعی (ابن جوزی، ۱۵۰/۱۴)، مرمت مشاهد عتبات و زیارت کردن امامان (ابن اثیر، ۲۷/۸، ۴۰، ۱۶۲) و احترام به علمای شیعه (ابن جوزی، ۱۵۷/۱۵)، بر امامی بودن آنها دلالت دارد. همچنین برخی از مورخان (قزوینی رازی، ۴۵-۴۶؛ ابن جوزی، ۱۵۷/۱۵؛ ابن کثیر، ۳۲۸/۱۱؛ ابن تغری بردی، ۳۰۷/۱۱) به امامی بودن آل‌بویه اشاره کرده‌اند. از محققان معاصر نیز عده‌ای از جمله فرای (۱۹۵) معتقدند که آل‌بویه شیعه امامی بوده‌اند. به‌کار رفتن تعبیری چون: «کان شیعیاً غالباً» درباره عضدالدوله در متون تاریخی (یافعی، ۲۹۹/۲؛ ابن عماد حنبلی، ۷۸/۳) و نیز کلمه «رفض» برای معزالدوله (ابن کثیر، ۱۸/۳، ۲۴۴/۱۱؛ یافعی، ۲۶۹/۲)، به امامی بودن آنان اشاره دارد. از جمله گزارشی دیگر که بر امامی بودن آل‌بویه دلالت دارد، کتیبه عضدالدوله در تخت جمشید است که در آن، نام دوازده امام شیعیان نوشته شده است (کرمر، ۸۲). در بحث امامت می‌دانیم که زید، خلافت شیخین را

مشروع شمرده و لعنت بر آنان را جایز نمی‌دانست؛ بنابراین، نوشتن عبارت «لعن الله معاویه بن أبی سفیان و لعن من غضب فاطمه علیها السلام فدکا و من منع أن یدفن الحسن عند قبر جده و من نفی أباذر الغفاری» بر سر در مساجد بغداد به دستور معزالدوله، مخالف عقاید زیدیه است؛ بلکه دلیل روشنی بر امامی بودن آل‌بویه است (ابن جوزی، ۱۹۵/۱۵-۱۹۶؛ ابن کثیر، ۳۶۱/۹). نظریه دیگر اینکه آل‌بویه با توجه به سابقه مذهب زیدیه در طبرستان، ابتدا مذهب زیدی داشتند؛ ولی بعد به مذهب امامی گرایش پیدا کرده اند. شیخی (۴۲)، با استناد به نقلی از بیرونی، بر این عقیده تأکید دارد و گزارشی را از ابن بابویه قمی آورده و می‌گوید: تاج الرؤساء صیروری از عالمان امامیه بوده‌است. وی از رشید مازندرانی، و او از پدرش نقل کرده که تاج الرؤساء، کسی بود که آل‌بویه را به مذهب شیعیان امامی وارد کرد. جوئل احتمال داده که معزالدوله در اواخر عمر به تشیع اثنا عشری گرویده باشد (کرمر، ۷۸). با این وصف می‌توان گفت که آل‌بویه شیعه مذهب بودند و در گسترش آداب رسوم و عقاید شیعی می‌کوشیدند. در این عصر مذهب تشیع از رشد و گسترش بیشتری برخوردار شد و موقعیت اجتماعی شیعیان بهبود یافت. این امر مدیون تعامل علمای شیعه با امیران آل‌بویه بود. با توجه به مطالعه متون تاریخی و آثار علمای شیعه می‌توان گفت که تعامل آنها با دربار آل‌بویه بر سه محور، نص صریح برخی آیات قرآن کریم و احادیث امامان، انسان و اجتماع و ضرورت و نیاز استوار بوده‌است.

الف) آیات قرآن و احادیث امامان:

از جمله مهمترین علل تعامل علمای شیعه با دربار آل‌بویه، تأکید برخی آیات به تعامل و همکاری است که در چند محور به آنها پرداخته می‌شود:

۱- تأکید اسلام بر تعامل و تعاون

تعامل و تعاون یکی از آموزه‌های مهم اجتماعی - اسلامی است. بنیاد دین اسلام بر اجتماع، پیوستگی و تعامل فرد با جامعه است. به همین دلیل اسلام به مسلمانان سفارش کرده تا در انجام امور خیر با یکدیگر تعامل و همکاری نمایند. زمانی که افراد با یکدیگر تعامل و روابط اجتماعی داشته باشند، روحیه وحدت در اجتماع، سبب دوری از اختلاف

و دشمنی می‌شود. خداوند متعال در آیه ۲ سوره مائده می‌فرماید: «همیشه در کار خیر و تقوا با هم همکاری کنید و در راه گناه و ستمگری همکاری نکنید». این آیه درباره تعاون و تعامل مسلمانان با یکدیگر، تمام مسائل اجتماعی را شامل می‌شود. براساس این قاعده مسلمانان مکلفند در کارهای نیک تعاون و تعامل کنند ولی همکاری و تعامل در امور ناروا و ظلم و ستم برای همیشه منع شده‌است. همکاری در کارهای نیک و سودمند اجتماعی، بر هر فرد مؤمن تکلیف شده و کسی که نسبت به پیشرفت امور اجتماعی مسلمانان توجه نکند، به دستور آیه تعاون عمل نکرده‌است. امام صادق علیه السلام در این مورد می‌گویند: «هر کس به پیشرفت کار مسلمانان اهمیت ندهد، در شمار مسلمانان نیست» (کلینی، ۱۶۴/۲). بیشتر آموزه‌های مؤثر اجتماعی در ایجاد تعامل و ارتباطات در جامعه اسلامی منحصر به دین هستند. سید رضی به طور مستقیم به قرآن کریم استناد می‌کند و می‌گوید که صرف همکاری گناه نیست؛ همان گونه که پیامبر خدا، یوسف علیه السلام با عزیز مصر همکاری کرد. وی سپس برای تأیید دیدگاهش به قرآن کریم استناد می‌کند: «اجعلنی علی خزائن الأرض اِنِّی حَفِیْظٌ عَلِیْمٌ» (یوسف/۵۵). گفت مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده که نگهدارنده و آگاهم (شریف مرتضی، ۹۷). در این میان علمای شیعه به آموزه‌های دینی بیش از سایر شیعیان آشنایی داشته و سزاوار تعامل و تعاون با دیگر مسلمانان و حاکمان عصر بوده‌اند.

۲- وحدت و برادری

از دیگر عللی که سبب روی آوردن شیعیان به تعامل در کارهای خیر می‌شود، مسئله برادری اسلامی است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات/۱۰). روایات متواتری نیز وجود دارد که همه مردم را به برادری و وحدت برای همبستگی در به وجود آوردن نظم صحیح زندگی دستور می‌دهند. برای نمونه امام صادق علیه السلام به یارانشان می‌فرمود: تقوای الهی پیشه کنید، برادرانی نیکوکار نسبت به همدیگر باشید، برای کسب مصالح و خیرات و دفع زیان یکدیگر بکوشید و دلسوز یکدیگر باشید (کلینی، ۱۶۳/۲-۱۶۴). بعضی آیات به روشنی، بر لزوم همزیستی در حیات اجتماعی دلالت می‌نمایند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ

جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران/۱۰۳). بدیهی است که هیچ چیزی زیان‌بارتر از اختلاف و پراکندگی در میان مسلمانان نیست: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا...؛ با یکدیگر دعوا و دشمنی نکنید که باعث شکست شما می‌شود و عظمت و نیرویتان را از بین می‌برد (انفال/۴۶)».

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه بر همگامی و همراهی با جمعیت عظیم مسلمین و پرهیز از هرگونه تک روی تأکید می‌کند و با صراحت می‌فرماید: «يَا لَللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ». در نتیجه علمای دین، به عنوان جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (صدوق، کمال‌الدین، ۲۷، ۲۸) جهت آشنایی مردم با معیارهای زندگی آرام و رعایت قوانین اجتماعی حکومتی در تعامل با حکومت آل‌بویه جلوه‌گری کردند.

۳- عطوفت و مهرورزی

بر اساس عقاید اسلامی، همه مسلمانان با هم مساوی هستند و دوستی و علاقه‌مندی به یکدیگر از خصوصیات اخلاقی آنان است. در آیات قرآن مانند آیه ۲۹ سوره فتح: «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» و روایات، دستاویزهای فراوانی برای همکاری و تعامل بیان شده‌است. وجود پیامبر مشترک، که به نظر همه مسلمانان پیروی از او همانند پیروی از خداوند واجب است: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ...» (آل عمران/۱۳۲)، نیز آداب و رسوم عبادی همچون نماز، قبله واحد، حج و مانند اینها می‌توانست الگویی برای وحدت و تعامل تمام گروه‌ها در همه عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی باشد. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأُصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ...» (حجرات/۱۰). در این آیه خداوند، مؤمنان را برادر یکدیگر خطاب کرده و آنها را به صلح و سازگاری میان مسلمانان سفارش کرده است. ائمه معصومین: نیز به عنوان یک وظیفه اجتماعی، مسلمانان را به تعامل و تعاون با یکدیگر توصیه می‌کردند. بر اساس آیین اسلام همبستگی و وحدت به عنوان یک وظیفه و تکلیف اجتماعی مفید بیان شده‌است.

۴- نظارت اجتماعی در قالب امر به معروف و نهی از منکر

برخی از علمای شیعه، تعامل با حاکم عادل را ضروری و به مصلحت عموم مردم می‌دانستند. شریف رضی (۵۱۴) در این مورد می‌گوید: برای اصلاح حاکم ستمگر،



گفتن سخن حق به حاکم ستمگر جزو برترین اعمال است، از این‌رو امام علی علیه السلام می‌فرماید: بالاتر از امر به معروف و نهی از منکر، سخن عادلانه و حقی است که در برابر حاکم ستمگر گفته شود. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: مردم تا هنگامی در خیر خواهند بود که در امر به معروف و نهی از منکر و در خوبی و پرهیزگاری یکدیگر را یاری کنند (طوسی، تهذیب، ۱۸۱/۶). برقراری عدالت اجتماعی وظیفه سلطان است. در همین راستا، عالمان شیعه توانستند در برخی از مقاطع، پادشاهان را از نوشیدن شراب و رفتارها و پیامدهای ناپسند آن باز دارند و برخی از آنان را وادار به صدور فرمان‌های عمومی برای جلوگیری از فساد و منکرات کنند (جعفریان، ۳۷۰/۱). شیخ مفید امر به معروف و نهی از منکر را در اصلاح جامعه اسلامی یک وظیفه اجتماعی مردم دانسته و در برخی موارد، آن را واجب کفایی می‌داند و بکارگیری زور و نیرو را متعلق به سلطان می‌داند. گاهی او این حق خود را به کسی که برمی‌گزیند و او را به استفاده از نیرو دستور می‌دهد، واگذار می‌کند (مفید، المقنعه، ۱۲۰).

شیخ طوسی جواز همکاری با حاکم ستمگر را به اجرای امر به معروف پیوند می‌دهد. به عبارت دیگر اجرای امر به معروف و نهی از منکر جواز همکاری با ستمگر را ایجاد می‌کند (السیف، ۱۰۴). وی با توجه به اینکه اقامه حدود، بر همه مؤمنان واجب است (طوسی، النهایه، ۳۰۱)؛ برای زندگی توأم با آرامش شیعیان تحت حکومت حاکمان جائز، روابط با حاکم جائز مانند حاکمان آل‌بویه را با هدف اجرای عدل و منع ظلم، جایز می‌داند. او نسبت به شیخ مفید و سید مرتضی واضح‌تر بحث کرده و مصداق سلطان را توسعه داده و در تعریف سلطان عادل به دو عامل امر به معروف و نهی از منکر و اجرای عدالت توجه کرده است (همان، ۳۵۶-۳۵۷). او با بیان این دو ویژگی نشان می‌دهد که حکومت امری منحصر به امامان معصوم نیست، بلکه در دوران غیبت نیز هر حاکمی که بر اساس شریعت امامیه عمل کند و ولایت امامان را بر حق بداند، سلطان عادل خواهد بود (کریمی زنجانی، ۱۰۵).

ب) انسان و تعامل در اجتماع

یکی از ویژگی‌های اصلی تعاملات انسان «اجتماعی بودن» است. انسان به تنهایی نمی‌تواند به زندگی ادامه دهد. در واقع، حیات انسان در گرو پیوند با اجتماع است و حکومت یکی از مهمترین ارکان اجتماع و جامعه است. علمای شیعه بنا به برخی دلایل اجتماعی به تعامل و همکاری اجتماعی روی آورده‌اند:

۱- بهره‌مندی از مزایای زندگی اجتماعی

هر انسانی در زندگی اجتماعی خود در جستجوی استفاده از امکانات مادی و معنوی پیرامون خویش است. به‌کارگیری و تملک برخی از این امکانات حق انسان است. زندگی اجتماعی مستلزم تعامل و همکاری بین انسان‌ها و نیازمند تدبیر و بده‌بستان‌های میان گروه‌ها و افراد است. علمای شیعه نیز در پی سازوکاری برای بهره‌مندی شیعیان از مواهب اعمال حکومتی بودند. آنان در عرصه اجتماعی و اقتصادی به دنبال اصلاح یا ارائه یک راه‌حل مبتنی بر شرع بودند.

علمای بزرگی همچون مفید (المقنعه، ۸۱۲) و طوسی (الغیبه، ۵) تعامل و همکاری کردن با حاکمان و سلاطین ستمگر را در عصر غیبت امام معصوم پذیرفته‌اند و معتقد بودند که در امور دنیوی تا جایی که مانع اجرای احکام اسلامی نباشد باید از فرامین حاکمان پیروی کرد. شیخ مفید منزلت شیعیان را بالا برد. او شیعیان را از پراکندگی و اوضاع اسف‌بار نجات داد و به اوضاع آنان سامان بخشید (دوانی، ۳/۲۳۹-۲۴۲؛ کرمر، ۱۲۲). او به دفاع از حقانیت مذهب تشیع در برابر دیگر مذاهب پرداخت. او حتی بعد از پیروزی در مناظره با عبدالجبار معتزلی، یک غلام، یک جبه، یک مرکب خاص با زین و لجام زرین و صد دینار زر خلیفتی که دینارش معادل ده دینار معمولی بود، از عضدالدوله دریافت کرد (مفید، الفصول، ۲۲؛ خضری، ۲/۶۲). وی همچنین برای شیخ مستمری ویژه‌ای تعیین کرد (مکدموت، ۱۷۸).

سید رضی برای طالبان علم مدرسه‌ای ساخت و نام آن را «دارالعلم» نهاد و تمامی نیازمندی‌های طلاب را فراهم کرد (امینی، ۱۲۱-۱۲۲). سید مرتضی، املاک بی‌حساب برجای گذاشت. تعداد روستاها، آبادی‌ها و املاک او به هشتاد پارچه آبادی می‌رسید که

میان بغداد و کربلا واقع بود (محمی‌الدین، ۸۷). سید مرتضی در مدرسه و حوزه علمیه ویژه طلاب علوم دینی به وضعیت طلاب از نظر معیشت مالی توجه خاص داشت. گاهی شهریه هر طلبه به ده تا دوازده دینار می‌رسید (همان). همچنین وی یکی از املاک خود را وقف تهیه کاغذ کرده بود که عواید آن صرف تألیفات مجتهدین می‌شد (موسوی خوانساری، ۲۸۳/۲). علاوه بر اینها او دارالعلمی داشت که بالغ بر هشتاد هزار جلد کتاب در آن بود. همچنین او برای خانواده‌های مستمند و تهیدست موجب ماهانه پرداخت می‌کرد؛ به گونه‌ای که حتی خود آنها از منبع و منشأ آن اطلاعی نداشتند و پس از درگذشت سید که آن مبلغ قطع شد، متوجه حقیقت قضیه شدند (مختاری، ۳۶۷). پرداخت نه هزار دینار توسط سید مرتضی و سید رضی برای امنیت کاروانی که در مسیر حج در حال حرکت بود (ابن جوزی، ۱۵/۱۵)، از دیگر نمونه‌های اهتمام علما به رفع مشکلات اجتماعی مردم بود. به نظر می‌رسد این تمکن مالی و املاک وسیع سید رضی و سید شریف بی‌ارتباط با تعامل آنان با دولت آل‌بویه نبوده‌است؛ زیرا برای اشخاص عادی فراهم شدن چنین امکانات مالی گسترده‌ای بعید به نظر می‌رسد.

۲- جایگاه والای اجتماعی علمای شیعه

واضح است که با وجود داشتن شرایط رهبری، حکومت و حاکمیت بدست نمی‌آید، مگر آنکه مقبولیت مردمی وجود داشته باشد. لذا حاکمان آل‌بویه برای تثبیت حاکمیت خود با شیعه و سنی رفتاری دوگانه داشتند. آنان از سویی می‌کوشیدند مشروعیت خود را با توجه به عقیده اهل تسنن که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دادند، با احترام به خلفای عباسی به دست آورند. مثلاً برای تنفیذ حاکمیت خود، شمشیر و ردا و منشور حکومت را از خلفای عباسی دریافت می‌کردند. از جهتی دیگر، نیازمند مقبولیت و محبوبیت از سوی شیعیان بودند. به همین سبب، برخی از امیران آل‌بویه با توجه به نفوذ علمای شیعه، در برخی دوره‌ها زمینه تعامل با عالمان شیعه را فراهم کردند تا بر اقتدارشان افزوده شود و از پشتوانه مردمی شیعی نیز برخوردار گردند.

حاکمان به تعامل با علمای مذهبی نیاز داشتند چرا که آنها پیروان زیادی در میان

مردم داشتند. آنان همچنین در راه‌اندازی بعضی از مناصب و مقامات دولتی نظیر خطابت و انجام امور قضایی و محاکم، به علما نیاز داشتند. گاهی نیز علما را سفیر خود قرار می‌دادند و آنها هم در ایجاد صلح و صفا نقش مهمی اجرا می‌کردند و گاهی نیز آنها سخنگوی مردم می‌شدند (بازورث و دیگران، ۳۲۶). خواه و ناخواه علمای مذهبی یک قوم با توجه به جایگاه اجتماعی بالایی که در میان مردم داشتند، محل توجه و نظر حاکمان و فرمانروایان و مردم بودند (متز، ۲۱۸-۲۰۰).

سید رضی از جایگاه اجتماعی والایی برخوردار بود. او عالمی پاکدامن و بلند همت و بسیار دیندار بود و محاسن بسیاری داشت (ابن جوزی، ۱۱۵/۱۵). پس از درگذشت ابواحمد موسوی که نقیب شیعیان بود، فرزندش سید رضی نقابت را به عهده گرفت. پس از آن موقعیت و جایگاه سید رضی در میان جامعه بالا رفت (عمری، ۱۲۵-۱۲۷). جایگاه وی در میان مردم به گونه‌ای بود که حتی کسانی که با وی اختلاف فکری داشتند، از بی‌اعتنایی به او شرم می‌کردند (حموی، ۳۷۷/۱).

شیخ مفید نیز نزد شاهان و صاحبان قدرت دارای چنان وجاهت و موقعیت اجتماعی خاصی بود که عضدالدوله دیلمی به عنوان حاکم وقت به دیدن شیخ مفید می‌رفت و نیز در برخی مجالس درس شیخ شرکت می‌کرد (دوانی، ۲۳۹/۳، ۲۶۲). همچنین شرکت هشتاد هزار نفر جمعیت در مراسم تشییع جنازه‌اش، نشان از موقعیت و جایگاه والای اجتماعی و مذهبی وی در میان مردم است (تنکابنی، ۴۱۴).

سید مرتضی در مورد جایگاه اجتماعی خود نزد خلفای عباسی در یکی از اشعارش چنین می‌گوید: هیچ کس همچون من از سوی خلفا مورد تکریم و بزرگداشت نیست (محمی‌الدین، ۱۸۸-۱۸۹). سید مرتضی پس از مرگ برادرش سید رضی در سال ۴۰۶، از طرف خلیفه وقت و امیر آل بویه، به مدت سی سال دیوان نقابت و سرپرستی سادات، امارت حج و رسیدگی امور زائران خانه خدا و مسئولیت دیوان مظالم را بر عهده گرفت (ابن جوزی، ۱۱۱/۱۵). تصاحب کرسی تدریس کلام، مقام مرجعیت جهان تشیع و منصب ریاست حوزه علمیه بغداد توسط شیخ طوسی، از دیگر نمونه‌های عظمت و جایگاه علمی - اجتماعی علمای شیعه بود (اندیشه‌های شیخ طوسی، ۱۹۷).

۳- دستیابی به موقعیت فرهنگی و تبلیغ مذهب تشیع

اصولاً حاکمان سیاسی و علمای مذهبی به‌طور کلی لازم و ملزوم یکدیگر بوده‌اند. حاکمان سیاسی معمولاً برای توجیه اهداف نظامی و اجتماعی خود نیازمند علمای مذهبی بودند، علمای مذهبی نیز برای دستیابی به اهداف مذهبی، نزدیک شدن و استفاده از قدرت و توان مالی و معنوی حاکمان را لازم می‌دانستند؛ زیرا تمام جنبش‌های مذهبی و غیرمذهبی با حمایت حاکمان وقت توسعه یافته‌اند. بنابراین دو طبقه تأثیرگذار بر جامعه، علما و حاکمان بودند. در گفتار پیامبر ﷺ به این واقعیت این‌گونه اشاره شده است: دو گروه از امت من هستند که هرگاه اهل تقوا باشند جامعه نیز اهل تقوا می‌شود و هرگاه اهل فساد شوند، جامعه نیز فاسد می‌شود: فقیهان و امیران (صدوق، *الخصال*، ۱۳۷). در واقع یکی از انگیزه‌های علمای شیعه برای تعامل و همکاری با دولت آل‌بویه، احیای معارف شیعی و ترویج مکتب تشیع بود (بحرانی، ۱۳۳/۱۸).

۴- توانمندسازی شیعیان

این هدف تا حدود زیادی با تأسیس حوزه‌های علوم دینی، تصدی برخی مناصب مانند نقابت و مانند آن ممکن می‌شد. دولت آل‌بویه زمینه این قبیل فعالیت‌ها را فراهم کرده بود. آل‌بویه بهترین فرصت برای عالمان شیعی به‌شمار می‌رفت تا از رهگذر آن بتوانند مکتب تشیع را از انزوا خارج کرده و به احیاء و گسترش آموزه‌های آن همت گمارند. عضدالدوله مسجد برائا را در اختیار شیخ مفید گذاشت (ابن حجر، ۳۶۸/۵؛ لمبتون، ۲۵۶). با در اختیار گرفتن این مسجد وی توانست مکتب بغداد را پایه‌گذاری کند. آرزوی عالمان شیعه بود که بتوانند احکام شرعی را اجرا و از حقوق شیعیان دفاع کنند یا مانع ستم بیشتر به مردم شوند. همچنان‌که برخی از اصحاب ائمه مانند علی‌بن یقظین، اسماعیل بن بزیع و نجاشی با اذن پیشوایان معصوم مجاز به همکاری با دولت‌های جائر عصر خویش می‌شدند، عالمان شیعی نیز خود را مجاز به همکاری با آل‌بویه می‌دیدند (طوسی، *اختیار*، ۴۳۳، ۵۶۴؛ کلینی، ۱۱۲/۵، ۱۱۰، ۶۳۲/۲). ابن یقظین می‌گوید: امام کاظم علیه السلام به من فرمود: خدای تبارک و تعالی در دستگاه سلطان دوستانی دارند که به وسیله آنان شر و بدی را از دوستانش دور می‌کند (عاملی، ۱۹۲/۱۳).

۵- کسب موقعیت اجتماعی

سید رضی و سید مرتضی با استفاده از شرایط مناسب و در اختیار گرفتن منصب نقابت علویان اموال و سرمایه‌های فراوانی به دست آوردند. آنان با این اموال با تبلیغ و ترویج مذهب شیعه، خدمات ارزنده و شایانی کردند و مدارس دینی و حوزه‌های علمیه شیعه مانند حوزه علمیه بغداد را تأسیس کردند (قمی، ۱/۵۲۵). آل‌بویه در برخی موارد حتی امکاناتی نیز به طور مستقیم در اختیار علمای شیعه قرار می‌دادند چنانکه اداره دارالعلم شاپور بن اردشیر بعد از فوتش به شریف مرتضی نقیب علویان بغداد واگذار شد (همان، ۲۴۷).

علمای شیعه در آن دوره به تحکیم عقاید فقهی و مذهبی شیعه پرداختند و مهمترین کتب روایی شیعه، یعنی *من لایحضره الفقیه* شیخ صدوق و *الاستبصار* و *التهذیب* شیخ طوسی را نگاشتند. عنایت (۳۷-۳۹) تدوین نظریه امامت را معلول شرایط ناشی از دوران غیبت و حکومت یافتن آل‌بویه می‌داند.

ج) ضرورت، نیاز و مصلحت اجتماعی

انسان را به تعبیری می‌توان مجموعه‌ای از نیازها تعریف کرد. نیاز به هوا، غذا، پوشاک تا نیازهای معنوی مانند امنیت جانی، امنیت مالی و مانند اینها، تداوم و استواری حیات را تضمین می‌کنند. این نیازها جز با تعامل و همکاری با جامعه و نهادهای اجتماعی برآورده نمی‌شوند. علمای شیعه گاه بر حسب ضرورت و نیاز و گاه بنا بر مصلحت به تعامل و همکاری با دولت و دربار آل‌بویه می‌پرداختند:

۱- ضرورت

نیاز جامعه بشری به نظم اجتماعی و وجود حکومت بسیار ضروری است به طوری که هر گاه جامعه از داشتن دستگاه حکومتی صالح محروم باشد و بر سر دوراهی داشتن حکومت ناصالح و یا بی‌قانونی و هرج و مرج قرار گیرد، وجود حکومت ناصالح برتری دارد. زیرا در جامعه بی‌قانون و فاقد دستگاه قدرت سیاسی، هیچ حریم اجتماعی حفظ نخواهد شد؛ اما در جامعه‌ای که قانون و حکومت برقرار است، نظم اجتماعی برقرار خواهد شد. ضرورت وجود حکومت برای سر و سامان دادن به جامعه ولو حکومت

فاسد در حدی انکار ناپذیر است که حضرت علی علیه السلام می فرماید: مردم به زمامداری نیک یا بد نیازمندند، تا در سایه حکومت او زندگی کنند (رضی، ۶۴). با توجه به نهج البلاغه، پاره‌ای نیازهای انسان مانند احتیاج به محبت، ناتوانی در رفع نیازهای زندگی بدون کمک به دیگران، او را به زندگی اجتماعی مجبور کرده است (همان، ۴۷). به تعبیر دیگر، زندگی اجتماعی انسان‌ها معلول نیازهای اجتماعی انسان است و نیاز به حکومت در رأس تمام نیازهاست.

مفید (المفنیه، ۲۷۴) در بحث تعامل با سلطان جائر می گوید هر جا مصلحت و ضرورت اقتضا کند باید از سلطان جور پیروی کرد. وی می گوید: «همه این امور در صورت اضطرار از دین و نفس جایز است، مگر سفک دمای اهل ایمان که در هر صورت غیر مجاز است». او با بیان شروطی زمینه تعامل اجتماعی علمای شیعه و شیعیان را با حاکمان جائر فراهم کرده بود (همان، ۸۱۰-۸۱۲). سید رضی نیز با پذیرش برخی مناصب مهم از سوی خلافت و دربار آل بویه به تعامل اجتماعی پرداخت (ابن جوزی، ۸۹/۱۵). سید مرتضی رسماً باب جدیدی در تعامل اجتماعی با حاکمان جائر (حاکمان غیرمعصوم) گشود. او روشی را پایه گذاری کرد که بعد از او به عنوان یک رویه فقهی در میان علمای شیعه امامیه رواج پیدا کرد. اغلب فقیهان، چه آنان که تعامل با سلطان جور را به طور کلی حرام می دانستند و چه آنان که در شرایط خاص تعامل با سلطان جور را واجب می شمارند، مباحثشان را در چهار چوب رساله «مسأله فی العمل مع السلطان» پی گرفتند (شریف مرتضی، ۸۹).

طوسی (النهایه، ۳۰۱) حکومت و دولت را ضروری می داند. او قصاص، اقامه حدود و اجرای آن را به وسیله فقها غیر ممکن دانسته و اجرای آن را بر عهده سلطان وقت گذاشته است. طبق گفته بالا می توان گفت که شیخ طوسی نیز به طور ضمنی و در حد ضرورت حکومت سلاطین را تا حدودی مشروع دانسته است.

علاوه بر آنچه گفته شد به نظر می رسد که اگر علمای شیعه به تعامل با آل بویه نمی پرداختند، بیم آن می رفت که علمای سنی مذهب به تعامل و همکاری با سلاطین آل بویه بپردازند و به تبع آن احتمال داشت سلاطین آل بویه از مذهب شیعه روی گردان شوند. علمای سنی در باب همکاری و تعامل با سلاطین از لحاظ نظری مشکلی نداشتند.

۲- مصلحت اندیشی

یکی از مسائل مهم فقه اجتماعی شیعی در برخورد با مشکلات و نیازهای ضروری بحث مصلحت‌گرایی، اهم و مهم، و بحث ضرورت و احکام ثانویه است. علمای شیعه معتقد بودند که در صورت ضرورت می‌توان با حاکمان ستمگر تعامل داشت. بر اساس شواهد تاریخی نیز علمای شیعه به خاطر مصلحت شیعیان با حاکمان ستمگر تعامل می‌کردند. آنها حتی برخی از کتاب‌هایشان را به حاکمان و وزرای جائر اهدا می‌کردند و تلاش می‌کردند از وجود آنان در گسترش تشیع و حفظ منافع شیعیان استفاده کنند. مثلاً شیخ صدوق برای قدردانی از صاحب بن عباد، وزیر شایسته آل‌بویه و تشویق او برای خدمت به شیعیان و موالی، برخی از کتاب‌های خود را به نام او تألیف کرده بود (شریف رازی، ۳۴۹).

مفید (المفیده، ۸۱۰) چنان بر عامل مصلحت در تعامل با سلاطین جائر و دیگر مسائل تأکید دارد که شاید بتوان گفت که وی بنیان‌گذار مصلحت در فقه شیعه است. او میان مشارکت در تقوا و مشارکت در گناه تمایز قائل شد. شیخ مفید یاری رساندن به مؤمنان را جایز و در برخی موارد واجب شمرد با این حال یاری رساندن به او در ستم را حرام می‌دانست. مفید (الاختصاص، ۱۱۳) می‌گوید: دین اسلام برترین ادیان است زیرا مصالح و منافع بیشتری از بندگان را در بر می‌گیرد. این نگاه شیخ به انسان و فایده و مصلحت‌اندیشی، شالوده اندیشه سیاسی او را تشکیل می‌دهد. بر مبنای آن اندیشه مصلحت و منفعت دنیوی و اخروی انسان باید همیشه مبنای سیاست و زندگی اجتماعی انسان قرار گیرد. وی حکومت‌های پس از غیبت کبری را غیرمشروع و ظالمانه می‌دانست و تفکیکی صریح و روشن از سلطان عادل و ظالم ارائه نکرده است؛ با این حال بین تعامل و همکاری با مشروعیت تفاوت قائل شده است.

شریف مرتضی (۹۳/۲) نیز در حوزه اجرایی کردن نظریه مصلحت رساله (مسئله فی العمل مع السلطان) را نوشته و در آن چگونگی تعامل و همکاری با سلطان جائر را بیان کرده است. او در رساله‌اش به فرمایش حضرت علی علیه السلام اصل حکومت را دربردارنده مصلحت دانسته است.

۳- نیاز به تأمین زندگی

غیبت امام و لزوم جمع‌آوری احادیث و روایات پراکنده و ترس از بین رفتن متون اصیل دینی، سبب شد که علمای شیعه فعالیت خود را افزایش دهند و برای جمع‌آوری احادیث به سفرهای علمی بروند. شیخ صدوق (علل الشرایع، ۲۰)، برای این مقصود، با مشکلات مسافرت در آن روزگار، از شهرهای قم، ری، نیشابور، توس، سرخس و غیره دیدار کرد. عالمان شیعی، با مسائلی روبه‌رو شدند که در گذشته کمتر با آنها مواجه بودند. کلینی (۵/۱) برای دفع شبهات کلامی کتاب کافی را در مدت بیست سال تألیف کرد. او انگیزه خود از نگارش کافی را، زدودن جهل و تقلید باطل و هدایت مردم عنوان کرده است.

نیاز به عالمان دین برای تبیین اندیشه دینی و پاسخ به شبهات سبب شد تا برخی عالمان، تمام وقت خود را به تحصیل و تبلیغ اختصاص دهند. این امر سبب شد تا عالمان دین یا باید دست از کار کشیده و به تعلیم و تبلیغ بپردازند و یا برای تأمین مایحتاج زندگی، کار می‌کردند که در این صورت امر تعلیم و تبلیغ دین تعطیل میشد و بدنه علمی دین رو به ضعف و ناتوانی می‌نهاد. اگر دست از کار می‌داشتند، دچار مشکلات مادی می‌شدند. پیشرفت دانش به فراغت بال و بی‌نیازی دانشمندان بستگی دارد (موسوی خوانساری، ۳/۳۶۹). از آن جا که اسلام، به تعطیل تحصیل و تبلیغ (توبه/۱۲۲)، و به سربار جامعه شدن عالمان دین و نان دین خوردن آنان نیز راضی نمی‌شود (کلینی، ۴/۶۱)، از این رو اسلام باید راه مناسب برای جمع این دو باید ارائه کند (عاملی، ۶/۳۷۵). با روی کار آمدن آل بویه، جایگاه علما ارتقا یافت؛ برای آنها کتابخانه ساختند و امکانات نشر علم، تألیف و تصنیف برایشان فراهم کردند. عالمان نیز حکومت را در رفع مشکلات اعتقادی، قضایی و مانند اینها یاری رساندند (بغدادی، ۴۲۶۷). آل بویه، آن چنانکه شایسته بود، جایگاه شیخ مفید را درک کردند و برای او و شاگردان مدرسه‌اش مقرری معین کردند. «جامع برائا» در مدرسه کرخ بغداد برای وعظ و اقامه نماز جمعه و جماعت به شیخ اختصاص داده شد (مفید، تصحیح، ۲۲). صدوق (من لا یحضره الفقیه، ۲/۱) در سال ۳۵۲، با حمایت‌های مالی و معنوی حسن رکن الدوله و صاحب بن عباد، توانست با سفرهای علمی به شهرهای گوناگون اسلام، مجموعه گران‌بهایی از میراث شیعی را جمع‌آوری و نگهداری کند. به این ترتیب عالمان شیعی، شبانه روز به تحقیق، تألیف و تدریس

پرداختند و خود را وقف علم کردند.

نتیجه

تعامل امری دو جانبه است و باید هر دو طرف خواهان تعامل باشند. در عصر آل‌بویه زمینه اجتماعی و سیاسی برای تعامل و همکاری عالمان شیعه با حاکمان آل‌بویه شیعی مذهب فراهم شد. در آن عصر زمینه تعامل اجتماعی عالمان با دولت آل‌بویه فراهم شد. یکی از آن زمینه‌ها غیبت امام معصوم بود. عدم دسترسی به امام معصوم شرایط تعامل با حاکمان جائر را تغییر داد. هم‌زمان با غیبت امام معصوم دولت شیعی مذهب آل‌بویه روی کار آمد. این دولت نیز بنا به دلایلی همچون، اشتراک مذهبی، کسب رضایت و پشتیبانی شیعیان، زمینه رابطه و تعامل با علمای شیعه را فراهم کرد. با این حال باید گفت که مهمترین علت تعامل علمای شیعه با دولت آل‌بویه علل اجتماعی همچون، استفاده از امکانات گسترده مادی و معنوی این حکومت برای تبلیغ، تعلیم و گسترش مذهب تشیع، مصلحت و ضرورت برای دفع خطر و ضرر اجتماعی از شیعیان، بهبود زندگی و توانمندسازی موقعیت شیعیان و جلب منافع معنوی و مادی و معیشتی شیعیان بود. در عصر غیبت هرگونه تعامل با حاکم جائر حرام است مگر در موقعیت‌های ویژه و بنابر ضرورت، مصلحت، ترس و مانند اینها. در واقع عالمان شیعه با اتکای به آموزه‌های دینی و با توجه به موقعیت و مقتضیات زمان، پاسخگوی مشکلات و معضلات اجتماعی مردم و جامعه بودند. آنها به این نتیجه رسیدند که تعامل و همکاری با حکومت شیعی مذهب آل‌بویه می‌تواند شرایط اجتماعی مناسبی را برای آنان فراهم کند تا آنها بدون ترس و تقیه و با استفاده از امکانات گسترده مادی و معنوی این حکومت به تبلیغ، تعلیم و گسترش مذهب تشیع بپردازند و پایه‌های فکری تشیع و نیز جایگاه شیعه را نسبت به دیگر مذاهب و مکتب‌های دینی تقویت کنند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۲م.
- ابن حجر عسقلانی، الاصابه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
- ابن اثیر (۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۵م.
- ابن جوزی، المنتظم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۲م.
- ابن طاووس، علی بن موسی، فرج المهموم، قم، دارالذخائر، ۱۳۶۸ش.
- ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۹۸۹م.
- ابن کثیر، اسماعیل، البدايه والنهاية، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷.
- امینی، محمد هادی، الشریف الرضی، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۶ش.
- اندیشه‌های شیخ طوسی، جمعی از نویسندگان، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۴ش.
- بازورث و دیگران، سلجوقیان، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، ۱۳۸۰ش.
- بحرانی، شیخ یوسف بن احمد، الحدائق الناضره، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵.
- بغدادی، خطیب، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷.
- بلعمی، ابوعلی، تاریخ بلعمی، تهران، زوار، ۱۳۹۹ش.
- تقوی سنگدهی، سیده لیلا، «بررسی تعامل فکری و سیاسی شیخ مفید با حاکمان آل بویه»، پژوهشنامه تاریخ، دوره ۷، ش ۲۷، ۱۳۹۱ش، ص ۲۱-۴۶.
- تنکابنی، میرزا محمد، قصص العلماء، تهران، کتابفروشی اسلامی، بی تا.
- تهرانی، آقابزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، تهران، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.
- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران تا طلوع دولت صفوی، تهران، نشر علم، ۱۳۹۰ش.
- حسن زاده، اسماعیل، «سیاست در اندیشه و رفتار فقیهان شیعی»، ش ۲، تهران، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ش ۲، تابستان، ۱۳۸۶ش، ص ۳۹-۶۹.
- حسنی نسب، مرتضی، «همکاری با سلاطین در اندیشه علمای امامیه»، دولت پژوهی، ش ۵، پاییز، ۱۳۹۸ش، ص ۵۵-۷۹.
- حموی، شهاب الدین ابوعبدالله یاقوت بن عبدالله، معجم الادباء، بیروت، دارالمعارف، بی تا.
- خضری، سید احمد رضا، تاریخ خلافت عباسی، تهران، سمت، ۱۳۸۲ش.
- خلیل جر، فرهنگ لاروس، ترجمه سید محمد طیبیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ش.
- دوانی، علی، مفاخر اسلام، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳ش.

- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵ ش.
- رضی، محمد بن الحسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات الهادی، ۱۳۹۲ ش.
- سالاریه، صفورا، «اندیشه سیاسی سید مرتضی در تعامل با حکومت آل‌بویه»، نشریه حکومت اسلامی، ش ۲، تابستان، ۱۳۹۷، ص ۱۶۹-۱۸۹.
- السیف، توفیق، نظریه السلطه فی الفقه الشیعی، بیروت، مرکزالثقافی فی العربی، ۲۰۰۲ م.
- شریف مرتضی، علی بن الحسین، رسائل الشریف المرتضی، قم، دارالقران الکریم، ۱۴۰۵.
- شریف رازی، شیخ محمد، تذکره المقابر فی احوال المفاجر، قم، نشر مکتب الزهراء، بی‌تا.
- شیخی، مصطفی کامل، تصوف و تشیع، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۹ ش.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
- _____، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، دارالشریف، ۱۴۰۶.
- _____، علل الشرایع، قم، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ش.
- _____، کمال‌الدین و اتمام‌النعمه، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲ ش.
- _____، من لایحضره الفقیه، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۱ ق.
- طاهری، سید مهدی، «رابطه علماء شیعه با حکومت در ادوار مختلف تاریخ ایران»، فروغ وحدت، ش ۲۰، تابستان، ۱۳۸۹ ش، ص ۲۵-۳۵.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن علی، اختیار معرفه‌الرجال، مشهد، دانشکده الهیات، ۱۳۴۸ ش.
- _____، الغیبه، قم، مؤسسه معارف اسلامی، بی‌تا.
- _____، النهایه، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷.
- _____، تهذیب الاحکام، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۴۱۷.
- عاملی، حرّ بن محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۵.
- عمری، نجم‌الدین، المجدی فی انساب الطالبین، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۲۲.
- عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۲ ش.
- فرای، ریچارد نلسون، بخارا دست‌آورد قرون وسطی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر، ۱۳۴۸ ش.
- قزوینی رازی، عبد الجلیل، النقض، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ش.
- قمی، حاج شیخ عباس، سفینه البحار، بیروت، دار التعارف، ۱۴۰۱ ق.
- کرمر، جونل، احیای فرهنگی در عهد آل‌بویه، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵ ش.
- کریمی زنجانی اصل، محمد، امامیه و سیاست، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰ ش.



- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷.
- لمبتون، آن.کی.اس، تاریخ ایران کمبریج (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵ ش.
- مادلونگ، ویلفرد، اخبار انمه الزیدیه، بیروت، دارالنشر، ۱۹۸۷ م.
- متر، آدام، تمدن اسلامی در قرن چهارم، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
- محی الدین، عبدالرزاق، شخصیت ادبی سید مرتضی، ترجمه جواد محدثی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۳ ش.
- مختاری، رضا، سیمای فرزندگان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۱ ش.
- مظفر، محمدرضا، تاریخ شیعه، ترجمه سید محمد باقر حجتی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
- مفید، محمد بن محمد، الفصول المختاره، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۳.
- _____، الاختصاص، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه، بی تا.
- _____، المقنعه، قم، موسسه النشر اسلامی، ۱۴۱۰.
- _____، تصحیح الاعتقاد، قم، گنکره شیخ مفید، ۱۴۱۱.
- مکدموت، مارتین، اندیشه های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.
- موسوی خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، تهران، مکتبه اسماعیلیان، ۱۳۹۱ ش.
- نوری، هادی، «الگوی رابطه دین و دولت در عهد آل بویه»، جامعه شناسی، تهران، شماره ۱، ۱۳۹۹ ش، ص ۱۲۲-۱۸۹.
- یحیایی، رجبعلی، «روابط علمای شیعه و دولت آل بویه»، راهنما: سیدهاشم آقاجری، گروه تاریخ، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- یافعی، أبو محمد، مرآة الجنان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۷ م.